

متن پرسش

با سلام و عرض ادب خدمت استاد گرامی. بنده چون مقیم خارج از کشور هستم و به تازگی به کشور عزیزمان ایران آمده ام فقط چند روزی توفیق حضور در تجمعات خیابانی را پیدا کرده ام. حس عجیبی دارد همین حضور ساده در خیابان و این پرچم تکان دادن به ظاهر معمولی. گویی انسان به نیابت از مظلومین و آزادگان جهان، هرچند کوچک ولی دارد کاری می کند. شوقی وصف ناشدنی در وجود انسان ایجاد می شود. این همان پرچم است که در مسابقه فوتبال هم آن را با افتخار بالا برده ایم ولی انگار این پرچم بالا بردن با آن پرچم بالا بردن حسی کاملاً متفاوت در انسان ایجاد می کند! شاید بخاطر این باشد که در خیابان این پرچم تبدیل به نماد حق شده است ولی در مسابقه فوتبال تنها سخن از برد و باخت است و نه از حق و باطل! چیز دیگری که توجه مرا به آن جلب کرد نگاه هاست؛ نگاه های مردم به یکدیگر. وقتی در خیابان پرچم تکان می دادم و به ماشین ها و مردم مختلف نگاه میکردم یک تفاوت عمده را حس می کردم. مردمی که خود پرچم به دست بودند و ماشین هایی که پرچم داشتند نگاهی آشنا همراه با حب به یکدیگر به هم داشتند. گویی سالهاست همدیگر را می شناسند و در یک عالم بسر میبرند ولی نگاه بی تفاوت ها به من غریب بود. گویی که اصلاً در این عالم نیستند، نه تنها نگاهشان به من، که بی تفاوت ها نگاهشان به یکدیگر هم آشنا نیست، غریب است. شاید به خطر باشد که در دنیای فردیت خود گرفتارند و نسبتی با یکدیگر و با این حضور تاریخی ایجاد نکرده اند. حسی که بنده داشتم این بود که ما و بی تفاوت ها در دو عالم متفاوت زندگی می کنیم. بی تفاوت ها از این نگاه ها بی خبرند. استاد عزیز راز این نگاه های همراه با همدلی و حب و شوق را در چه می دانید؟ با کمال تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در نگاه تاریخی به رخدادها، هر حرکتی آینه‌ای خواهد بود به سوی آینده‌ای که آن حرکت، بدان اشاره دارد. حال یا به گفته شما تکان دادن پرچم پیروزی یک تیم است در مقابل تیم رقیب و آینده‌ای که در ذهن‌ها می‌ماند بدون آن که حیات بخش باشد و به انسان وسعتی به گستردگی انسانیت بدهد و این درست برعکس حضور فوق‌العاده‌ای است که در دل جنگ رمضان برای ملت‌ی به ظهور آمد که در بنیة وجودی آن‌ها به نهایتی نظر داشتند که همه انسان‌ها ذیل انسانیت کامل، خود را در خود جستجو کنند. و این‌جا است که تکان دادن پرچم‌ها توسط این ملت، حکایت حضور شبانه مردمی در میادین می‌باشد که آن ملت به معنای واقعی یک ملت در صحنه است. مردم

ما در وجدان تاریخی خود متوجه حضور دیگری شدند که همان حضور «تمدنی در عین قدسی بودن» می‌باشد و احترام به انسانیت انسان‌ها، نکته‌ای که نباید از آن غفلت کرد تا نسبت به آگاهی خاصی که در جان مردم جاری می‌باشد، به «خودآگاهی» نایل شوند. امری که در

https://eitaa.com/bartarin_hozoor/۱۲۷ و https://eitaa.com/bartarin_hozoor/۱۱۸

بدان اشاره شد. و ضرورت روایت این حضور از طریق توجه به خودآگاهی این مردم عزیز، عاملی خواهد بود تا هرکس در جان خود انسان‌ها را دعوت به جهانی بکند که جهان آمریکایی نیست.

https://eitaa.com/bartarin_hozoor/۲۴۶ موفق باشید